

به نام خدا

سوالی که مطرح شد این بود که آیا ... برای تنجسی حلیبی که پنیر شده است می توان تمسک کرد یا نه

گفتیم که اگر در لسان روایات این باشد که ... اما چنین چیزی در روایات نداریم

راه دیگر اینکه درست است خصوص چنین چیزی در روایات نداریم اما در مجموع روایات داریم که اگر چیز مایعی با نجاست برخورد کند نجس می شود و این اطلاق دارد چه این که تغییر حالت پیدا کند یا نکند. همان طور که قاعده المتنجس ینجس در هیچ روایتی نیست بلکه از مجموع روایات اصطیاد می شود و فهم عرفی این است که واژه ها و سوالات خاصی که پرسیده شده است اختصاص به همینها ندارد و از باب مثال است. بنابراین اگر در جایی آب و جایی مرق و جایی عسل و غیره وارد شد الغاء خصوصیت می کنیم.

...

پس ظاهر این است که محقق خویی که فرموده اند که حلیب نجس وقتی پنیر شد هنوز نجاست باقی است مستندشان استصحاب نیست آن طور که مرحوم حکیم فرموده اند چون ایشان استصحاب در شبهات حکمیه را قبول ندارند بلکه به این دلیل است که این اطلاقات فوقانی وجود دارد اگر چه در مورد خود حلیب نداریم اما در حلیب به عنوان یکی از مایعات این عمومات فوقانی وجود دارد.

این اطلاقات و عمومات مصطیاده وجود دارد و اگر چه مرحوم خویی تصریح به این نکرده اند اما این که به قاعده طهارت یا استصحاب تمسک نکرده اند معلوم میشود این در ذهنشان بوده است

اشکال : این اطلاقات مقید بما لایطهر است و به همین دلیل تمسک به شبهه مصداقیه دلیل می شود.

این مطلب یک تکمله نیاز دارد که بنابر مسلک محقق نایینی و شهید صدر در بعض مواردی که دلیل مقید به قید لبی می شود در این موارد می توان تمسک کرد

توضیح این که مرحوم نایینی قائلند به این که اگر دلیل مقید یا مخصص شد به دلیل لفظی منفصل و شک کردیم که مصداق عام است یا مخصص در این جا نمی توانیم تمسک کنیم. مثل اکرم العلماء و لاتکرم الفساق که اگر شک داشته باشیم در عدالت کسی نمی توانیم تمسک کنیم.

اما ایشان می فرمایند که اگر مخصص لفظی نبود بلکه لبی بود در این صورت تمسک به دلیل اشکالی ندارد. مثلاً در همین مثلاً اگر دلیلی بر لاتکرم الفساق من العلما بلکه اجماع داشتیم یا حکم عقل بود در این صورت اگر به عالمی برخوردیم که شک در فسقش داریم می توانیم به اکرم العلماء اخذ کرد یا در اکرم جیرانی که فرزند آمر می داند که مراد پدر همسایه ها دشمن او نیست. در این موارد اگر به همسایه ای برخوردیم که شک در عداوتش داریم باید به اکرم جیرانی تمسک کرد.

در مانحن فیه هم مقید ما لبی است که همان ما لم يطهر است بنابراین تمسک به دلیل می توان کرد.

شهید صدر این مبنا را قبول ندارند اما مبنای دیگر دارند و آن اینکه اگر مقیدی برای دلیلی وجود داشت که خود آن مقید شبهه حکمیه دارد و از شأن مولی است که تشخیص بدهد این موارد اشکال ندارد. مثلاً مولی فرموده است اجتنب عن المائع الملاقی للنجس در این جا می دانیم ما لم يطهر داریم اما این که چه چیزی مطهر هست یا نه مرجع فهم آن شارع است. این با مثال اکرم العلما و لاتکرم الفساق و شک در فسق کسی متفاوت است چون در اینجا شناسایی به عهده خود عبد است.

در چنین مواردی

ما اخترناه نحن فی مباحث العام والخاص بالجواز تمسک بالعام اذا كان شبهه حکمیه فی نفسها بحیث یکون من شأن المولی بما هو مولی الاطلاع علیها بخلاف الشبهه فی موضوع خارجی نسبت به الی المولی و العبد علی حد سواء

....

بعد ایشان این مطلب را در بحث تعادل و تراجیح تطبیق کرده اند به این که همه تکالیف مقید است به اینکه اشتغال به تکلیف اهم یا مساوی از آن نداشته باشی و این یک قید عقلانی است که در همه اوامر هست. مثلاً اگر مقام معظم رهبری فرمود همه باید در راهپیمایی شرکت کنند مسلماً شامل کسانی که حراست مرزها را به عهده دارند یا مشغول به عمل جراحی مهمی هستند نمی شود.

حال ایشان می فرمایند که اگر مولی دستوری داد که من الان نمی دانم که فلان چیز اهم یا مساوی با آن هست یا نه در این صورت باید تمسک به همان دلیل افعّل کرد. چون تشخیص این که کدام فعل اهم است یا نه به عهده مولی است.

حال در مانحن فیه هم همین طور است این پنبیر شدن و تغییر حالت دادن آیا مطهر هست یا نه تشخیصش با شارع است نه با ما و در واقع این شبهه حکمیه ای است که مرجع آن شارع است

بنابراین آن حرفی که ما قبلاً می گفتیم و شهید صدر جلد 3 صفحه 217 شرح عروه فرموده اند که همه احکام مقید به ما لم يطهر است در جواب اشکال حرف درستی

نیست.

در عین حال با اینکه این اشکال قوی می است چه بنابر مسلک مرحوم نایینی و چه شهید صدر اما خود ایشان یک مطلبی فرموده اند و آن اینکه مقیدات لبی دو گونه هستند

بعضی چنان که مرتکز در اذهان هستند و به قدری از وضوح و جلاء هستند که مثل یک مخصص لفظی است و کلام را عرف از اول مقید می فهمد در این گونه موارد نمی توان تمسک کرد

اما گاهی مقید لبی به این مقدار وضوح نیست بلکه باید با توجه و دقت آن را به دست آورد که در اینجا می توان تمسک به دلیل کرد.

مورد اول که وضوح دارد همان جایی است که گفته شود اکرم العالم العادل است که با شک در عدالت نمی توان تمسک کرد.

ایشان در صفحه 67 می فرماید

... عدم تمامیتها فی المخصصات اللبیه الارتکازیه التي تعتبر بمثابة ... لان اقتترانه بذلک الارتکاز البديهی یکون ... فلا یقی له ظهور فی الاطلاق ...

...

و ما نحن فیه از موارد مقیدات واضحه است

نتیجه کلام این است که راه برای این که کسی بگوید که شیر اگر به حلیب تبدیل شود پاک می شود وجود دارد اما ما این رانمی گوئیم به خاطر اینکه استصحاب در شبهات حکمیه را جاری میدانیم و حکم به نجاست می کنیم. اما بنابر مشکل مثل محقق خوبی می توان قائل به طهارت شد.

وصلی الله علی محمد وآل محمد.